

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده اشعار
صائب تبریزی
(اصفهانی)

به انتخاب
محمد علی صاعد
اصفهانی

- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 رده بندی کنگره : PIR ۶۳۷۴ / ۱۹۱۳۸۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۸۰۴-۸۵ م
 سرشناسه : صائب، محمدعلی، ۹۱۰۱۶-۱۰۸۶ ق
 عنوان قراردادی : دیوان، برگزیده
 عنوان و نام پدیدآور : گزیده اشعار صائب تبریزی (اصفهانی) / به انتخاب محمدعلی صاعد اصفهانی
 وضعیت نشر : اصفهان، جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان، ۱۳۸۵ .
 مشخصات ظاهری : ۵۲۸ ص.
 شابک : ۹۶۴-۶۰۹۸-۵۹-۲
 موضوع : شعر فارسی - - قرن ۱۱ ق .
 شناسه افزوده : صاعد، محمدعلی
 شناسه افزوده : جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان
 رده بندی دیویی : ۸ ۱/۴ فا
 یادداشت فهرست نویس: فهرست نویسی بدون کتاب



گزیده اشعار صائب تبریزی (اصفهانی)

- به انتخاب : محمدعلی صاعد اصفهانی
 ناشر : انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان ۶۶۸۰۰۶۲
 نوبت چاپ : اول
 تاریخ نشر : بهار ۱۳۸۶
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 تعداد صفحات : ۵۲۸
 لیتوگرافی : پارسا
 چاپ : ارغوان
 صحافی : امین
 طرح جلد : محمدعلی نریمانی
 تایپ و صفحه‌آرایی : خدمات فرهنگی جهاد ۷۹۳۲۰۶۹
 مدیر تولید : محمود مراشی
 قیمت : ۶۰۰۰ تومان
 شابک : ۹۶۴-۶۰۹۸-۵۹-۲

مرکز پخش: تهران، کتابیران: ۶۶۴ ۶۵ ۳۳۰ ۶۶۴ ۱۷ ۱۷۶ : ۶۶۴ ۱۷ ۱۷۶

علم گستر سپاهان: ۲۲۱۹۹۷۹-۰۳۱۱ آدرس سایت WW.JDISFAHAN.IR

صائب که بیگمان پس از فردوسی، نظامی، مولانا، سعدی و حافظ بزرگترین شاعر فارسی گوی و مدت دو قرن در پهنه قلمرو زبان فارسی جولان می کرد و بر دلهای فارسی زبانان فرمانروایی داشت و بجز آن پنج تن آل ادب که ذکرشان، کسی را یارای برابری با او نبود، از بد حادثه و هم به دنبال نقدهای غیر منصفانه و گاه مغرضانه برخی از تذکره نگاران و ادیبان عصر قاجار در سایه قرار گرفت و گرچه در بیرون مرزهای ایران کماکان بر دلهای فارسی گوین و فارسی دوستان حکومت می کرد و بسیاری در شاعری راه او را می پیمودند، اما در ایران بویژه با چیرگی سبکهای خراسانی و عراقی و تمایل ایرانیان و اهل ادب به شعرهای سهل الوصول و دیر آشنای دوره بازگشت، برای مدتی حدود دو قرن گرد فراموشی بر شعر صائب و همعصران و همراهان او نشست. اما از آن جا که ماه تابان هیچگاه برای همیشه در پشت ابرهای تیره پنهان نمی ماند، بالاخره عروس آراسته شعر سبک هندی^(۱) و نگار مینیاتوزی شعر صائب بویژه از پس ابرهای غلیظ و انبوه تهمت و بی اعتنائی جلوه گر شد و نظرها را خیره کرد تا جایی که امروزه کمتر ایرانی علاقمند به شعر و ادب را می توان یافت که ابیاتی از ایشان را در حفظ نداشته باشد و یا بیتها و مصراعهایی از آن را به صورت ضرب المثل نقل نکند.^(۲) البته کوشش خستگی ناپذیر بزرگان بلند همت و گوهرشناسانی چون مرحوم حیدر علی کمالی، زنده یاد امیری فیروزکوهی، شادروان احمد گلچین معانی، زین العابدین مؤتمن، محمد قهرمان و دکتر شفیمی کدکنی برای زدودن غبار ایام از گوهرهای غلطان شعر

۱- البته استاد صاعد نیز چون بسیاری از جمله زنده یاد امیری فیروزکوهی با این نامگذاری بشدن مخالف است و با دلایل متقن و مفصلی که در مقدمه گزیده حاضر آورده اند، می توان نظر ایشان را پذیرفت و با ایشان همراه شد یا منتهی عده ای دیگر که مصرانه این سبک را بدین نام می خوانند بیشتر برآنند تا قلمرو زبان فارسی را یاد آوری کنند (از جمله استاد مظاهر مصفا) و حق نیز به جانب ایشان هم است.

۲- میرزا محمد علی تربیت به نقل از منتخبات اشعار صائب تبریزی به ۱ انتخاب حید علی کمالی، تهران، کالامه خاور، بی تا، ص ۷۰ (مقدمه).

عصر صفوی^(۱) و بویژه شعر بلند صائب شایان تقدیر و سپاس است.

از بزرگانی که عمری را بر سر شناخت و شناساندن شعر عصر صفوی و بویژه شعر صائب گذرانده است و به یقین بیش از بسیاری شایستگی و اهلیت نوشتن و گفتن در مورد شعر و زندگی صائب و گزینش بکهاز و دویست غزل از میان انبوه غزلهای او را دارا است،^(۲) یکی نیز گزینشگر مجموعه حاضر یعنی جناب استاد محمد علی صاعد اصفهانی است که در یکی از محله‌های قدیمی اصفهان - محله حاج رسولیها - و در خانواده‌ای که به قول سعدی: همه عالمان دین بودند، به سال ۱۳۰۴ خورشیدی پا به عرصه گیتی نهاد و چون در چهار سالگی او را به مدرسه گذاشتند، اعجاب نخستین مسؤلان مدرسه را برانگیخت، پدرش میرزا اسدالله در «انجمن مقدس اسلامی»^(۳) فعالیت داشت و همین موضوع موجب تبعید و آوارگی او و نابسامانی اوضاع معیشتی خانواده شد.

وی وقتی در مدرسه بود به مناسبت‌های گوناگون اشعاری می‌سرود و چون خبر آن به پدرش رسید، او را به محضر استاد محمد حسین صغیر که با او دوست صمیمی بود، برد و استاد تا پایان عمر مرحوم صغیر از فیض محضر او برخوردار بود. تخلص «صاعد» را که بعدها نام خانوادگی او نیز قرار گرفت، با راهنمایی مرحوم «شیدا»^(۴) برگزید و در سال ۱۳۴۴ به همراه جمعی از شاعران اصفهان از جمله مرحوم صغیر، زنده یاد عبدالباقی نواب، مرحوم شیدا و استاد علی مظاہری (مظاہر) انجمن ادبی صائب اصفهان را بنا نهاد که تا سال ۱۳۵۳ مرحوم «شیدا» دبیر آن انجمن بود و از آن زمان تا امروز به ریاست استاد صاعد هر جمعه بی وقفه بر سر مزار صائب برگزار می‌گردد و شاعران معروفی را پرورده و به جامعه شعر و ادب معرفی و پیشکش نموده است. استاد در دهه سی و چهل در کنار فعالیت‌های ادبی به فعالیت‌های سیاسی نیز پرداخته است، وی از دروس حوزه نیز غفلت نکرده و از محضر استادان بزرگی چون آیت الله طیب مفسر

۱- استاد شفیع کدکنی بر آن است که باید شعر این دوره را شعر عصر صفوی بنامیم دلرای دو شاخه اصفهانی و هندی است و مصداق اتم و اکمل شاخه هندی آن بیدل، فروقی، سعدی، شاخه اصفهانی آن صائب می‌باشند.

۲- در دیوان صائب به تصحیح استاد قهرمان بیش از هفت هزار غزل و تعدادی فصیده و مثنوی از صائب گرد آمده است.

۳- از انجمن‌های فعال سیاسی مذهبی عصر رضا شاه در اصفهان.

۴- میرزا عباسخان دهکردی (شهرکردی) متخلص به «شیدا» و رئیس انجمن ادبی «عشیق» که مدت کوتاهی بر پا

قرآن و حجت الاسلام مجتهد پیدآبادی کسب فیض کرده است.

از ویژگیهای استاد علاوه بر جدیت در کار، سخت کوشی و بردباری می توان به سعه صدر و بزرگواری و عظوفت پدرانۀ ایشان و عدم تعصب نسبت به نظرات شخصی و توجه بسیار به جوانان مستعد و میدان دادن به آنها را اشاره نمود، از آثار استاد علاوه بر مجموعه حاضر دیوان شعر ایشان با عنوان «تجلی در منی» و کتابهای «اصفهان در شعر فارسی»، «۲۵۰ غزل از صائب»، «مشتاق و صائب» و «هزار غزل فارسی» را می توان بر شمرد. علاوه بر آن ها تعداد زیادی مقاله به مناسبتها و در موضوعات گوناگون نوشته اند که در مجلات مختلف چاپ شده است^(۱).

در پایان لازم است از استاد گرامی جناب آقای دکتر شریفی که در بازخوانی کتاب و تدوین این مقدمه ما را یاری نمودند سپاسگذاری نمایم.

۱- در نوشتن این مقدمه کوتاه علاوه بر بیانات استاد از نوشته های خود استاد در پایان جلد اول «مقالات»، مقدمه کتاب «تجلی در منی» و مصاحبه استاد با روزنامه شهروند - که در شماره ۲۱ (یکشنبه ۳ دیماه ۱۳۸۵) صفحه ۱۴ چاپ شده است - نیز استفاده کرده ام.

دست گیر و جرم ما را در گذار
مصلحی تو ای سلطان سخن

ای خدای پاک و بی نیاز و بار
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

مقدمه

نشیب و فرازهایی که تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران در ادوار گذشته داشته است در هر بخش از زندگی مردم این سرزمین اثر آن به نحو روشن و بارز مشاهده می‌شود. شعر فارسی نمونه زنده و نموداری مستند و در خور توجه است و از بیش از نیم قرن پیش درباره چگونگی و تغییراتی که در نحوه سخنسرایی و شاعری در ایران در زمانهای مختلف به وجود آمده است بین صاحبان قلم و اندیشه گفتگوها و اظهارنظرهایی پدید آمده است. از هر پژوهشگر، نظری و از هر مورخ خبری را برای دگرگونی‌هایی که در هر دوره در شعر فارسی ظاهر شده است، مستمسک قرار داده‌اند و هر کس از صاحبان قلم بنا بر شیوه مورد پسند خود نوعی از فرم و محتوی را برتر دانسته و برای اثبات نظر خود دلیلهائی آورده است.

در بین سبکهای مختلف شعر فارسی که در امتداد هزار و اندی سال به وجود آمده است، غیر از سبک خراسانی که بیشتر در مثنوی و قصیده سرائی کاربرد دارد، برجسته‌ترین گویندگان دومین سبک شعر رایج در زبان فارسی یعنی سبک عراقی یا فارسی سعدی و حافظ هستند. و شاعر ممتاز سبک سوم یعنی سبک اصفهانی صائب است که در قرن اخیر فراوان و مکرر مورد بحث قرار گرفته است. شیوه این شاعر را به غلط سبک هندی گفته‌اند و در واقع سبک اصفهان است که از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی شروع و با صائب به حد کمال می‌رسد و بسیاری از شاعران نام‌آور نیز در پیشرفت این سبک کوشش کرده‌اند.

دسته‌ای از سخنسرایان و نویسندگان که طرفدار و دلبسته شیوه سعدی و حافظ‌اند سبک اصفهان را هندی می‌خوانند و شاید می‌خواهند کنایه بزنند که این سبک از زبان متداول فارسی دور افتاده و فهم آن دشوار است. آنها این شیوه شاعری را مورد انتقاد شدید قرار داده و اشعار گویندگان آن را سخیف و گاه‌هذیان به حساب می‌آورند و تازه کاریهای آنها را به باد انتقاد می‌گیرند و از هر دیوانی از این دسته شاعران بیت یا ابیاتی ضعیف و سست یا پیچیده پیدا کرده و مستمسک قرار داده‌اند، ملاحظه کنید:

از ملا مشفق قمی:

شمع را بر سر نمی‌دانم هوای روی کیست بوی گل می‌آید از دود پر پروانه‌ام

از صائب:

از شهیدان نگاهت ناله هرگز برنخاست
گوئیا با سرمه دادند آب شمشیر تو را
ایضاً صائب:

خنده کبک به کهسار زند تمکینش
آن که از کلبه من تند چو سیلاب گذشت
نظام از شعرای اواخر دوره صفوی:
صد پله نهادیم ز لخت جگر خویش
شاید به زمین بوس لب آید نفس ما
از عرفی شیرازی:

مشت سوزن به دلم زان مژه تا ریخته‌اند
گریه از پاره دل دوخته پیراهن چشم
آقای حسین مکی که در سال ۱۳۲۰ شمسی هجری یا اندکی پیشتر از این تاریخ مقدمه‌ای بر دیوان مشتاق اصفهانی^(۱) نوشته‌اند اشعار فوق را (که دیگران هم قبلاً ذکر کرده بوده‌اند)^(۲) ذکر کرده و پیش از ذکر این ابیات مرقوم داشته است: «گویندگان فارسی زبان در مدت شش قرن استیلای سبک هندی بر سبک عراقی یا فارسی - (سبک سعدی و حافظ) به فکر خیالبافیهای بدون معنی و نازک کاریهای بی‌مورد، و سخنان باردی بی‌سر و سامان و جملات آشفته متزلزل و استعارات ناپسند و به کار بردن مفاهیم نامأنوس، مثلاً عدم ارتباط الفاظ با مفاهیم فقط به اعتبار معانی بی‌سابقه و دور از ذهن تا آنجا که پیکره عبارات بطور کلی ناستوار و به طرزی مالاکلام سست و مبتذل گشت مبادرت ورزیدند و فصاحت ادب و ادبیات را بطوری حیرت انگیز تابع جریان بازار نابسامان خود قرار دادند»^(۳).

این برداشت را جز بر بی‌حوصلگی و نداشتن فرصت تحقیق و بی‌ذوقی و در پی جریان روز رفتن نمی‌توان حمل کرد زیرا وقتی در سال ۱۳۶۲ همین کتاب تجدید چاپ می‌شود همان نویسنده در ذیل همین ابیات می‌نویسد: «در بدایت پیدایش سبک هندی آنگاه که شالوده سازمان ادبی سبک هندی ریخته می‌شد و تحول و تغییری در ادبیات ایران از عراقی به هندی دست می‌داد، نویسندگانی نسبتاً خوش قریحه این شالوده را تا حدی اساسی ریخته و مضامین ادبی را که به سبک هندی انشاد می‌کردند تقریباً لطیف و آبرومند بود (چنانکه این موضوع از خلال سطور منظومه‌های ادبی ادوار اولیه این سبک استنباط می‌شود) ولی دیری نگذشت که در پیروان سبک هندی مشی کم‌مایه پایه سخن‌سازی بویژه سخنان منظوم را بر بی‌مبالاتی و افراط و تفریط گذاردند، تا بالنتیجه اندک ملاحظت اولیه هم خواه و ناخواه بساطش

۲- صفحه بیست و هشت، بیست و نه

۱- به کوشش حسین مکی چاپ خاوران

۳- همان کتاب صفحه بیست و هشت